

شیطان شناسی!

این عنوان ممکن است دشمنان برون مرزی یا احزاب و نیروهای مخالف درون یک نظام سیاسی تداعی کند، اما مهم تر از آن، عوامل و انگیزه‌های پیدایش دشمنی‌ها و جنگ و کشتارهای ناشی از آن‌ها است که به خلق و خوی ملت‌ها و نفسانیات آنان ناشی می‌شود. گمان نمی‌کند کسی منکر این حقیقت مسلم باشد که ما آدمیان تحت تأثیر دو نیروی مثبت و منفی قرار داریم و در دوراهی انتخاب میان خوب و بد، نیکوکاری و ستمگری واقع شده‌ایم.

در باورهای باستانی ما ایرانیان این دو نیرو را «اهورا مزدا و اهریمن» می‌گفتند و در باورهای اسلامی، «رحمن و شیطان» می‌نامند، البته مناقشه‌ای در کلمات نیست، آنچه برای ناباوران دین هم قابل قبول است، همین گرایش دوگانه انسان به خیر و شرّ می‌باشد که در این مختصر تنها به عامل اصلی «شرّ»، که در فرهنگ اسلامی «شیطان» نامیده شده، خلاصه‌وار پرداخته شده است. شیطانی که ۹ بار در قرآن «عدو میین» (دشمن آشکار) نامیده شده و تأکید شده که او مسلماً دشمن شماست، پس دشمنش بگیرید (فاطر ۶).

در مراسم حج نیز که از سنت‌های عبادی مهم اسلامی است، رمی جمرات (سنگ پراکندن به سه نماد شیطان) از جمله آداب پیش از قربانی می‌باشد. این نمادهای سه گانه به قول دکتر علی شریعتی، معرفت مثلث: زر، زور و تزویر می‌باشد که از شرّ آنان باید به مثلث: «ربّ الناس، ملک الناس و إله الناس» که در آخرین سوره قرآن قرار دارد، پناه برد.

شیطان (همچون جن) از نظر لغوی وصف است، نه اسم موجودی خاص، معنای کلی آن خروج و دور شدن از محدوده و مدار و حریم است که موجب محرومیت از خیر و آسیب رسانی می‌شود. طبق آموزه‌های قرآنی و به زبانی نمادین، ابلیس از حریم و حرمت فرمان الهی در سجده به آدم سرپیچی کرد و صفت «شیطان رجیم» (رانده شده) بر او تحقق یافت.

سران ستمگر، پاسداران نظام‌های استبدادی و انسان‌های شرور نیز که از مرز و محدوده حق و عدالت عبور می‌کنند و مرتکب ستم می‌شوند و نیز سنگ‌های سرگردان در جوّ و اشعه‌های مضرّ برای حیات زمینی که از فیلترهای جوّ محافظ زمین عبور می‌کنند، در فرهنگ قرآن شیطان نامیده شده‌اند و این صفت می‌تواند موصوف‌های متعددی مثل: میکروب و سایر عوامل بیماری و وسوسه‌های نفس اماره داشته باشد.

چنین به نظر می‌رسد (والله اعلم)، که در قرآن هرگاه کلمه «الشیطان» (با الف و لام معرفه = ۶۴ مرتبه) آمده باشد، منظور همان ابلیس رانده شده از درگاه الهی است، اما اگر به صورت‌های: جمع معرفه (الشیاطین = ۱۶ بار)، نکره (شیطانا = ۲ بار)، مضاف و مضاف‌الیه (شیطان مارد/ رجیم/ مرید/ الانس و الجن = ۵ بار) یا با ضمیر «شیاطینهم = یکبار» آمده باشد، تماماً مصداق آن غیر ابلیس می‌باشد که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

حزب شیطان و حزب الله (درباره منافقین ریاکار)

«حزب» در زمان ما تداعی کننده تشکیلاتی سیاسی است، ولی در قرآن عمدتاً به گروه‌های مقابل پیامبران «حزب الشیطان» نسبت داده شده که مصداق امروزی‌اش تشکیلات سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، نظامی، آموزشی و... است که در تضاد با حق و منافع ملت‌ها تلاش می‌کنند، و البته در مواردی نیز عنوان «حزب الله» به گروه موحدین مخلص گفته می‌شود. به آیات زیر نگاه کنید:

مجادله ۱۸ و ۱۹ - «يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَافِرُونَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ... لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

مائده ۶ - «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»

فاطر ۵ و ۶ - «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ»

قبيله شيطان

قبيل به گفته لغت شناسان جمع قبيله است که بر یکديگر رو می‌آورند، قبيله شيطان اتباع و روی آوردگان به او هستند:

اعراف ۲۷ - «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»

پیکار با پیروان شيطان

راه طاغوت‌ها در جوامع بشری همواره در برابر راه الله قرار دارد، آیه زیر تصریح میکند:

نساء ۷۶ - مؤمنین همواره در راه خدا و کافران در راه طاغوت پیکار می‌کنند، پس با اولیاء شيطان (سرکردگان) پیکار کنید که طرح و ترفندهای آنان ضعیف است

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»

به این ترتیب معلوم می‌شود که ما با یک شيطان سر و کار نداریم؛ بلکه با یک «حزب» و «قبيله» و سواران و پیاده نظامی طرف هستیم که باید آنها را درست بشناسیم.

معادل عربی سپاه و لشکر کلمه «جُند» است و جنود، جمع جُند، به معنای سپاه و عوامل اعمال قدرت است که ۲۹ بار در قرآن، درباره «جنود ابلیس» (شعراء ۹۵)، نیروهای نظامی، مالی و تبلیغاتی فرعون‌های روزگار، و نیز به جنود الهی/ جنود ربک/ جنود السموات والارض/ ریحا و جنود لم تروها/ سلیمان و جنوده من الجن والانس والطیر به کار رفته است.

صوت، سواره و پیاده نظام شيطان، مشارکت در اموال و اولاد و وعده‌هایش

اسری ۶۴ و ۶۵ - (خداوند به ابلیس فرمود) هر کس از آنان را که توانستی با صوت خود بلغزان (بی‌ثبات کن) و با سواران و پیاده نظامت بر آنان بتاز و در اموال و اولادشان (دخل و خرج و تربیت فرزندان) شریک شو و ایشان را وعده‌های فریبنده بده و (بدانید) شيطان جز فریب و وعده نمی‌دهد، مسلماً تو بر بندگان (مخلص) من هیچ تسلطی نداری، و (ای محمد) پروردگارت برای توکل کافی است.

«وَأَسْقِزْزِ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا، إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا»

آیا هرگز صوتی از ابلیس شنیده و یا سواره و پیاده نظام او را دیده‌اید؟ آیا واقعاً در اموال و اولاد خود با او شریک شده‌اید؟ آیا هرگز وعده‌ای به خاطر می‌آورید که به شما داده باشد؟ مسلماً پاسخ همه این سئوالات منفی است! اما واقعیت امر این است که ابلیس در وسوسه‌های نفس خودمان حضور می‌یابد.

۱ - صوت (ابراز قدرت و فرمان با صدای بلند)

فرماندهان نظامی معمولاً اوامر خود در نبرد را با تحکم و صوت بلند به نیروهای تحت فرمان خود صادر می‌کنند. در مجالس بحث و گفتگو نیز بلند کردن صدا برای اثبات برتری فکری و نظر خود را به کرسی نشاندن، نوعی منیت و شیطنت است که قرآن چندبار از آن سخن گفته است، از جمله در نصایح لقمان حکیم به پسرش:

لقمان ۱۹ - در رفتار (و راه رفتن) میانه رو باش و صدای خویش فرو دار، که زشت ترین صداها بانگ خزان است.

«وَأَقْصِدْ فِي مَسْئِكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»

حجرات ۲ تا ۴ - ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را بالاتر از صدای پیام برنیارید و با او، آن‌گونه که با یکدیگر صحبت می‌کنید، به صوت بلند سخن مگویید، مبدا که نتیجه تلاش شما ندانسته تباه گردد، آنان که نزد رسول خدا آوای خویش فرو می‌دارند، خدا دل‌هاشان را به محک تقوا در آزمون قبولی نهاده است، آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهند داشت.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»

به این ترتیب اولین تحریک ابلیس در همین ابراز وجود از طریق بالا بردن صدا و نهیب تهدیدآمیز برای ارباب موحدین و متزلزل کردن آنان در مواضع برحق خود می‌باشد (وَاسْتَفْزِرُ مِنْ اسْتِطْعَتِ مِنْهُمْ بِصَوْتِكُمْ)، استفزاز، در باب استفعال، از ریشه «فز» کسی را (با تهدید و ترس یا تطمیع) از موقعیت و جایگاه خود کردن است که پیش از حمله انجام می‌شود.

اگر در گذشته با بلند کردن صدا ابراز قدرت و تحکم می‌کردند، امروز دیکتاتورها با رسانه‌های ارتباط جمعی و انواع ترفندها و توطئه‌ها سلطه خود را تحکیم می‌بخشند و ملت‌های میلیونی را با تبلیغات یکسویه دولتی تحمیق و هر صدای مخالف و منتقدی را خفه می‌کنند.

۲ - پیاده و سواره نظام (اجلب علیهم بخیک و رجیک)

اسب (خیل) و شتر در روزگار نزول قرآن مرکب سواره نظام بودند و اسب تا همین صد سال پیش سریع‌ترین وسیله تهاجم و به قول یکی از متفکرین مهم‌ترین مرکب تاریخ ساز بوده است. سواره نظام و پیاده نظام شیطان همین ارتشهای مهاجم بوده است که دنیا را به آتش استعمار و استثمار و استحمار کشیده و می‌کشند.

۳ - مشارکت در اموال و اولاد

بیشتر مردم به خدا ایمان ندارند مگر ایمان آلوده به شرک (یوسف ۱۰۶). تشخیص شرک در اموال آسان است؛ همین که منصفانه بنگریم چند در صد دارایی خود را در راه حق، یا امیال و هوس‌های شخصی خرج می‌کنیم، میزان سهم خدا را در شرکت سهامی خدا و بندگان در می‌یابیم.

اما مشارکت اولاد!... ظاهراً به نظر نمی‌آید در فرزندان هم امکان شرک وجود داشته باشد؟ اما «اموال و اولاد» در زمان نزول قرآن نماد «ثروت و قدرت» بوده‌اند، در جوامع اولیه فاقد نظامات قانونی و پلیس، فرزند بیشتر قدرت بیشتری برای خانواده محسوب می‌شد و جمله: «اموال و اولاد آنان تو را به شگفت نیورد» در مورد مشرکان معاند، نشان اقتدار اجتماعی آنان بوده است (توبه ۵۵ و ۸۵).

بنابراین از موارد آزمون آدمی یکی هم اموال و اولاد بوده (تغابن ۱۴ و انفال ۲۸) که محور زندگی قرار دادن و مشغول شدن افراطی به آن از جمله هشدارهای قرآنی است (منافقون ۹). حتی سلامت و موفقیت فرزندان را به حساب عواملی غیر خدا گذاشتن شرک محسوب شده است، نگاه کنید:

اعراف ۱۸۹ و ۱۹۰ - اوست آنکه شما را از منشاء حیاتی واحدی آفرید و زوجش را نیز از همان جنس پدید آورد تا (هرکس) در کنار همسرش آرام گیرد، و هنگامی که (مردی) با همسرش در آمیخت، (و همسرش) باری سبک برداشت و مدتی بر آن گذشت، و چون گرانبار (حامله) شد، هر دو پروردگار خویش را ندا کردند که اگر (فرزندی سالم و) شایسته به ما عطا کنی، به یقین سپاسگزار خواهیم شد. و چون به آن دو (فرزند) سالمی داد، عوامل دیگری را در موهبتی که خدا عطایشان کرده بود سهمیم (مؤثر) دانستند و خدا از آنچه (در قدرت) با او شریک می‌پندارند بالاتر است...

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ لَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ...»

۴ - وعده گمراه کننده و فریب آرزوهای دنیایی

ابراهیم ۲۲ - «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ»

نساء ۱۱۹ - «وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّيَنَّهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ آدَانَ الْعَالَمِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيُعَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُبِينًا»

نساء ۶۰ - «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»

نساء ۱۲۰ - «يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»

محاصره چهار طرفه (مقابل و پشت، راست و چپ)

اعراف ۱۶- (شیطان) گفت: به خاطر آن که مرا به بدبختی (اخراج از بهشت) انداختی، در کمین راه راست تو خواهم نشست، آنگاه از مقابل و از پشت و راست و چپ سراغشان (بندگانت) خواهم آمد و بیشترشان را شاکر نخواهی یافت.

« قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَفْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَأَتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ »

اغوی شیطان زمینه سازی و مقدمه‌ای است برای محاصره چهار سویه بندگان از: مقابل، پشت، راست و چپ! که ذیلاً توضیح داده می‌شود:

۱- از مقابل (مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ)

در قرآن بارها تصریح شده است که این کتاب تصدیق کننده « مَا بَيْنَ يَدَيْهِ » می‌باشد که همان تورات و انجیل در « دسترس » مردم آن زمان می‌باشد، و نیز آمده که خدا باد را بشارت دهنده رحمت پیش رو فرستاده « يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ »، که منظور مژده باران « پیشرو » است. (اعراف ۵۷ و...). از موارد دیگری که این جمله در قرآن تکرار شده، می‌توان دریافت که منظور « زمان و مکان حاضر و آینده » می‌باشد، به این ترتیب شیطان در تلاش‌های شبانه روزی فعلی و آمل و آرزوها و برنامه ریزی‌های آینده آدمیان حضور پیدا می‌کند. چگونه؟

۱-۱) **تزئین** (نیکو جلوه دادن اعمال زشت و تجملات و هوس‌های دنیای پیش رو - بَيْنِ أَيْدِيهِمْ).

چه عاملی موجب می‌شود که بسیاری از مردم به صورت فردی یا ملی، از خطا و خلاف و خیانتی که مرتکب شده‌اند، نه تنها احساس شرم و پشیمانی و قصد آشتی و اصلاح نمی‌کنند. بلکه ابراز رضایت و افتخار هم می‌کنند؟ این همان اصطلاح «تزئین اعمال»، یعنی نیکو جلوه دادن شیطان است که در طول تاریخ ملت‌های فراوانی را به خود شیفتگی ملی و تعصبات قومی، نژادی و دینی سوق داده و به ارتجاع و عقب افتادگی کشانده است. ۶ آیه زیر اشارات قرآن به این آفت انقراض امت‌های پیشین است:

انعام ۴۳ - « قُلُوبًا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا نَضْرَعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ »

انفال ۴۸ - « وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفَلَائِقَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بِرِيءٍ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ »

نحل ۶۳ - « تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ »

نمل ۲۴ - « وَجَدْنَاهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ »

عنكبوت ۳۸ - « عَادًا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ »

۱-۲) اغواء (به گمراهی و بدبختی کشاندن)

دو کلمه رشد و غی (راشدین و غاوین)، متضاد یکدیگرند (قَدْ تَبَيَّنَ الرَّشْدُ مِنَ الْغَيِّ)

حجر ۳۹ تا ۴۲ - « قَالَ رَبِّ مَا أَغْوَيْتَنِي لِأَتَّبِعَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُخَوِّئَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ »

۱-۳) وعده

در قرآن ۱۰۰ بار از وعده خدا درباره: قیامت، پیروزی، مغفرت، عذاب و... سخن گفته که تماماً حق و صادقانه است، و ۷ بار از وعده شیطان فریبکارانه شیطان و خُلف وعده او که تماماً فریبکارانه و پوچ است، از جمله:

بقره ۲۶۸ - شیطان شما را (از انفاق بیم و) وعده فقر می‌دهد و خدا وعده آمرزشی از سوی خویش و فضیلتی و خداوند گشاینده داناست.

«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

ابراهیم ۲۲ - وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا فُضِّيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْ مَوَّأْتُمْ أَنْفُسَكُمْ...»

نساء ۱۲۰ - «يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»

اسرى ۶۴ - «... وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»

۱-۴ (امانی (به آمال و آرزوهای دنیایی مشغول کردن)

نساء ۱۱۹ - «وَلَا ضَلِيلٌ لَهُمْ وَلَا مُمْسِكٌ لَهُمْ ... وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ ...»

۱-۵ - ترساندن (از جهاد و انفاق و...)

آل عمران ۱۷۵ - «إِنَّمَا دَلَّكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

۱-۶ (نزع (آشوب به پا کردن در روابط دوستی و برادری و همکاری)

اعراف ۲۰۰ تا ۲۰۳ - «وَأَمَّا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُفْصِرُونَ»

یوسف ۱۰۰ - «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

اسراء ۵۳ - «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا»

فصلت ۳۳ تا ۳۶ - «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَإِمَّا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

۱-۷ (وسوسه (القای باطل در نفس انسان)

اعراف ۲۰ - «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِمَهُمَا...»

طه ۱۲۰ - «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمَلَكَ لَا يَبُلَى»

۱-۸ (لغزاندن (به سستی کشاندن ثبات قلب و قدم)

بقره ۳۶ - «فَلَوْلَاهُمَا الشَّيْطَانُ عَنَّا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ»

آل عمران ۱۵۵ - «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»

۱-۹ (به خبط و خطا انداختن)

بقره ۲۷۵ - «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...»

۱-۱۰ (فتنه (به سختی افتادن)

اعراف ۲۷ - «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ...»

۱-۱۱) طوفان وسوسه در دل

اعراف ۲۰۱ - «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ...»

۱-۱۲) تَبْدِير (ریخت و پاش مسرفانه در مخارج زندگی)

اسری ۲۶ و ۲۷ - «وَأَتَا ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبْدِرُوا تَبْدِيرًا إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كُفُورًا»

۱-۱۳) خَذْلَان (خوار و بی دفاع رها کردن)

خذلان، رها کردن کسی است که به یاری شخص امید و انتظار داشته است و «خذول» صیغه مبالغه آن بیانگر نهایت فروگذاری و خوارکنندگی شیطان نسبت به کسانی است که به وعده‌های او دل بسته باشند.

فرقان ۲۷ تا ۳۰ - «وَيَوْمَ بَعْضُ الظَّالِمِ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

۱-۱۴) بردن به سوی آتش

لقمان ۲۱ - «...قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانُوا لَشَيْطَانٍ يُدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ»

۱-۱۵) الفای در امانی رسولان

امانی و امنیه و تمنا، به آرزوها و اهداف و برنامه‌هایی گفته میشود که شخص برنامه ریزی و قصد کرده باشد، آرزوهای رسولان چیزی جز سعادت و نجات بندگان از شرک و جهل و جور حاکمان نبوده است.

حج ۵۲ - «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ...»

۱-۱۶) بازداشتن از راه حق

عنکبوت ۳۸ و نمل ۲۴ - «...وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ...»

۱-۱۷) دشمنی در شراب و قمار و بازداشتن از یاد خدا و نماز

مانده ۹۱ - «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

۱-۱۸) نجوی (سخن درگوشی خصوصی)

مجادله ۱۰ - «إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا»

۱-۱۹) تسویل (در باب تفعلیل از ریشه سول)

نوعی فریب نفس و نیکو جلوه دادن کار زشت و غیرعقلانی است. در ماجرای افکندن یوسف در چاه دشمنی برادران، شیطان این عمل را برای ایشان نیکو جلوه داده بود.

محمد ۲۵ - «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ»

آیا فراموشی گناه است؟ ظاهراً جواب منفی است. اما می‌توان پرسید: معمولاً چه اموری فراموش می‌شود؟ آیا هرگز خواب و خوراک کسی فراموش شده یا احساس نیاز به یادش می‌آورد؟ پس به همان میزانی که به موضوعی اهمیت می‌دهیم، به همان نسبت آنرا از خاطر نمی‌بریم، مگر آنکه دچار فراموشی ذهنی شده باشیم. آری نسیان از غفلت نسبت به امور مهم مثل: یاد خدا، آخرت و اعمال صالح است.

انعام ۶۸ - «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُبْسِئُكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعُدَّ بِعَدِّ الدُّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

یوسف ۴۲ - «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ»

کهف ۶۳ - «قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا»

مجادله ۱۹ - «يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»

۲- از پشت (گذشته = و من خلفهم)

منظور از آمدن شیطان از پشت آدمیان چیست؟ برخی از مفسرین به استناد آیه ۹ سوره نساء «...لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةَ ضِعَافًا...» فرزندان را که نسل بعدی هستند ذکر کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد فرزندان فقط مصداق معینی از «مِنْ خَلْفِهِمْ» باشند، چه بسا عبرت‌گیری از سرنوشت اقوام گذشته و عذاب‌هایی که موجب انقراض آنان شده، و نیز عملکرد گناه آلود «زمان حاضر و گذشته» فرد را که باید موجب اصلاح و عبرت گردد، شیطان برای آنان نیکو جلوه می‌دهد و راه توبه و اصلاح و عبرت را می‌بندد. از ۱۹ موردی که ترکیب «مقابل و پشت» (ما/ مِنْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا/ مِنْ خَلْفِهِمْ) در قرآن تکرار شده می‌توان زمینه‌های پیش رو و پشت سر را بهتر فهمید:

علم خدا به زمان حاضر و گذشته

(بقره ۲۵۵)، «...يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ...»

آمدن رسولان در زمان حال و گذشته معاصران پیامبران

(فصلت ۱۴) «إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ...»

سدی در پیش‌رو (حال و آینده‌نگری) و پشت سر منکران پیامبران

(یاسین ۹) «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ»

ندیده گرفتن عذاب امت‌های هم‌عصر و پیشین

(سبا ۹) «أَقْلَمَ يَرَوْنَ إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَسْأًا نَحْصِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ...»

و دوستان گمراهی که اعمال زشت انسان را نیکو جلوه می‌دهند

(فصلت ۲۵) «وَقَبِضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَرَيْنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَ...»

۳- پیمان‌ها و تعهدات خدایی (عَنْ أَيْمَانِهِمْ)

اما «ایمان» (جمع یمین = دست/ طرف راست)، مفهوم پیمان و تعهد با خدا و مردم دارد که اعراب با فشردن دست راست قسم می‌خورند و آنرا موکد می‌ساختند و کلمات یمین، یمین، یمون و میمنت در قرآن با برکت و خجستگی همراهند. اما «شمائل» (جمع شمال = دست/ طرف چپ)، بر خلاف یمین، مفهوم شومی و نحسی دارد. به این ترتیب ایمان (جمع یمین) به کارهای خیر و خدایی و شمائل (جمع شمال) به کارهای شر و شوم گفته می‌شود. پس شیطان علاوه بر اعمال زمان حال و گذشته، در اعمال نیکو و زشت آدمی به سراغش می‌آید، در کارهای نیکو به غرور و ریاکاری و منت‌گذاری می‌کشانند و در کارهای زشت تشویق و تحریک می‌کند.

۱-۳) نقض عهد و میثاق خدایی

نحل ۹۲ تا ۹۵ - «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَلَا تَتَّخِذُوا بَعْضُكُمْ قَلِيلًا إِيْمَانًا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

بقره ۲۷ - «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»

نساء ۱۵۵ - «فَبِمَا نَقُضُوا مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرُوا بآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ...»

مانده ۱۳ - «فَبِمَا نَقُضُوا مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ...»

رعد ۲۵ - «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»

۲-۳) ابطال انفاق (با منت و آزار)

بقره ۲۶۴ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ ثَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا...»

۳-۳) حبط اعمال (بطلان و بی اثر شدن)

مانده ۵ - «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ مِمَّا كَسَبْنَ وَكُنَّ يُحْسِنِينَ إِذَا كُنَّ يُحْسِنِينَ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ مِمَّا كَسَبْنَ وَكُنَّ يُحْسِنِينَ إِذَا كُنَّ يُحْسِنِينَ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ مِمَّا كَسَبْنَ وَكُنَّ يُحْسِنِينَ إِذَا كُنَّ يُحْسِنِينَ»

انعام ۸۸ - «...وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

بقره ۲۱۷ - «... وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ قَبِمْتُ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»

۴-۳) ریاکاری و نمایش

ماعتون ۴ تا ۷ - «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

نساء ۱۴۲ - «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»

نساء ۳۸ - «وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ...»

۴ - زشت کاریها (عَنْ شَمَائِلِهِمْ)

شَمَائِلُ، جمع شمال (چپ)، با شمال جغرافیایی تفاوت دارد، همانطور که ایمان، جمع یمین (راست)، در معنای مجازی و تشبیهی شامل همه راستیها و درستیها در وفای به عهد خدا و تعهدات با مردم است، شمائل نیز به طور مجازی شامل و دربرگیرنده همه «چپ» رویها و زشت کاریهای شیطانیه آدمی می باشد؛ چه در ارتکاب آن اعمال و چه در تشویق و تایید و وعده یاری شیطان.

قرآن «اصحاب الیمین» و «اصحاب الشمال» و نامه اعمال این دو دسته را در دو قطب مخالف قرار داده است:

واقعه ۲۷ و ۴۱ - «وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ... وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ»

حاقه ۱۹ و ۲۵ - «و فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَةَ... وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَةَ»

همچنانکه نور (صراط مستقیم) همیشه واحد و ظلمات (انواع گمراهی) همواره کثیر است، راه توحید و تسلیم به حق هم یکی است و راه‌های شیطانی متعدد، همین‌طور از ۲۳ موردی که کلمه «ظلمات» در قرآن تکرار شده، ۱۵ مورد آن با «نور» آمده است و نیز گردش سایه در روی زمین را از یمین (راست) به سوی چپ‌ها (نه چپ) وصف کرده است که به گونه مجازی همان نور و ظلمات را تداعی می‌کند:

نحل ۴۸ - «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَبْقَىٰ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ»

نکته قابل توجه آن که نور (ایمان و عمل صالح) مردان و زنان مومن در قیامت، پیشاپیش آنان (بَيْنَ أَيْدِيهِمْ) و به راست‌هاشان (بِأَيْمَانِهِمْ) راستی‌ها و درست‌کاری‌هاشان) می‌تابد و در این تعبیر مجازی دیگر سخنی از پشت و چپ (خلفهم و شمائلهم) نیست:

حدید ۱۲ - «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرًا لَّهُمْ...»

تحریم ۸ - «...يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا...»

توصیه به بندگان درباره شیطان

۱ - عهد الهی در پرهیز از تعبد (سرسپردگی) به شیطان

یاسین ۶۰ تا ۶۲ - ای بنی آدم، مگر به شما سفارش نکردم که شیطان را بندگی نکنید (رام و تسلیم تحریکات او نشوید) که او مسلماً دشمن آشکار شماست و اینکه (تنها) مرا بندگی کنید که راه راست همین است...

«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ...»

مطابق آیه فوق، در روز قیامت، پروردگار از عهد و پیمانی که از همه فرزندان آدم گرفته می‌پرسد!... به راستی این کدام پیمانی است که هیچکس نه سندی امضاء کرده و نه زمان و مکانش را به خاطر می‌آورد؟ گویا امضای ما همان رسیدن به بلوغ سنی و عقلی است که توانستیم به مدد آن به پیدایش خود و فرزندانمان از نطفه‌ای ناچیز یقین آوریم و به ربوبیت منحصر به فرد او نزد وجدان خویش اعتراف کنیم.

انعام ۱۷۲ و ۱۷۳ - «وَأَذِّبْ رِجْلًا مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ»

۲ - عدم پیروی از گام‌های شیطان (در حلال و حرام کردن‌های فقهی، دشمنی‌ها، فحشاء، منکرات، تجاوز به حقوق دیگران)

در ۳ سوره قرآن، ۵ بار عنوان «خطوات الشیطان» (گام‌های شیطان) آمده است. پیروی کردن از گام‌های کسی، دنبال کردن جای پای اوست و بدیهی است که شیطان جای پای ندارد، اما این استعاره و مجاز، اشاره به پیروی کردن از «خط و مشی» و کسانی است که کاری شیطانی می‌کنند. قرآن در سه زمینه این دنباله روی و جوزدگی کورکورانه را مذمت کرده است:

الف) پیروی از حلال و حرام‌های من در آوردی متولیان دین که هیچ مبنای قرآنی ندارد. لازم به توضیح است که قرآن همه صیدهای دریایی را حلال کرده و از آنچه در زمین است، تنها گوشت خوک، مردار، خون ریخته شده و هر آنچه نام غیر خدا بر آن برده شده باشد را حرام شمرده است و لا غیر. در دو سوره قرآن این نکته مطرح شده است که ذیلاً می‌بینید، برای فهم جامع تر مسئله بهتر است به ترجمه و آیات قبل و بعد آن‌ها نیز مراجعه شود.

بقره ۱۶۸ - «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

انعام ۱۴۲ - «وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

ب) دامن زدن به شایعات ناموسی علیه دیگران، افشاگری زشتی‌ها و تمایل به غیبت و سخن چینی

نور ۲۱ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»

ج) ایجاد تفرقه و جدایی یا پیوستن به جریانات انشعابی اختلاف برانگیز و وحدت شکن
بقره ۲۰۹ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

۳ - شیطان دشمن آشکار

دشمن آشکار بودن کسی، یعنی تردید نکردن در آن، آیات زیر مواردی از نتایج دشمنی دین و دنیا سوز شیطان را در ماجرای فریب آدم و همسرش، توطئه برادران یوسف، بحث و مجادله اختلاف برانگیز با مخالفان، دل بستگی به دنیا و فراموشی آخرت و بالاخره اتخاذ شیوه‌های خشن در اصلاحات را در آیات زیر (با توجه به قبل و بعد آیات و سیاق آن) نشان می‌دهد.

اعراف ۲۲ - «فَدَلَاهُمَا يُعْرُورُ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةَ وَأَفَلَا لَكُمَا إِنْ الشَّيْطَانِ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

یوسف ۵ - «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلنَّاسِ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

اسراء ۵۳ - «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلنَّاسِ عَدُوًّا مُبِينًا»

فاطر ۶ - «... إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ...»

زخرف ۶۲ - «... وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُون هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

قصص ۱۵ - «وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ شِيعَةِ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ»

۴ - پناه بردن به خدا از شر شیطان

پناه بردن به خدا در زمینه‌های مختلف ۱۷ بار در قرآن تکرار شده که چند مورد زیر در پناه بردن از شر شیطان می‌باشد.

الف) تسلط بر نفس در بحث و مجادله با مخالفین و پرهیز از شیوه‌های عکس‌العملی توهین و تحقیر طرف مقابل.

مومنون ۹۷ و ۹۸ - «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ»

ب) دعای پناه دادن فرزندان و نسل بعد به پروردگار از شر شیطان.

آل عمران ۳۶ - «...وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِنكِ وَدَرَيْتُهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

ج) تلاوت قرآن با نهایت خضوع و خشوع ایمانی به درگاه الهی و تسلیم قلبی به آیاتی که خوانده می‌شود و توکل به خدا.

نحل ۹۸ - «فَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»

۵ - پرهیز از دوستی با شیطان

دوستی با کلمات مختلفی در قرآن وصف شده است، مثل: خلیل، رفیق، ولی، صاحب، حبیب، وَدّ، قرین و... اما قرین به کسی گفته می‌شود که مثل سایه، قرینه و مقارن آدمی و همیشه با اوست، کسی که در انفاق قصد ریاکاری و نمایش به مردم داشته باشد، نشان می‌دهد حتی در کار خیرش هم نمی‌تواند از شیطان و تحریکات او جدا شود. این بدترین قرین است.

نساء ۳۸ - «وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا»

۶ - پرهیز از ولایت شیطان

از جمله عناوین دیگری که برای دوستی به کار می‌رود، «ولی» است، ولایت به چنان دوستی گفته می‌شود که به حمایت و سرپرستی و یاری رسانی منجر گردد در آیه الکرسی آمده است: «خدا ولی کسانی است که ایمان آورده اند، آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت می‌کند و...»، اما کسانی که دلشان خالی از ایمان است، انگیزه‌های شیطانی آن‌ها را پر می‌کند، آنها همپالگی‌های شیطان صفت را به دوستی و پشتیبانی می‌گیرند و به این ترتیب به ولایت شیطان وابسته می‌شوند.

اعراف ۲۷ تا ۳۰ - «...إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ... إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ»

۷ - عمل شیطان ایجاد عداوت و بغض (شراب و قمار و قرعه و...)

دو آیه زیر عملکرد شیطانی را در آثار شراب، قمار و قرعه و نیز نتایج ناخواسته زد و خورد را نشان می‌دهد

مانده ۹۱ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

قصص ۱۵ - «وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ»

۸ - شیطان در پی علمای دین

این اصطلاح معروفی است که «ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل»، قرآن از بزرگترین عالم دینی بنی اسرائیل مثال می‌آورد که دین را دکان دو نیش دنیا و سرمایه جاه و مقام خود قرار داد، آیه زیر سرآغاز داستان کسی است که خداوند چشم دلش را به آیات خود آگاه کرده بود، اما او حریمی را که این آگاهی ایجاد می‌کرد، با ناسپاسی درید و در دام شیطان افتاد.

اعراف ۱۷۵ و ۱۷۶ - «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ؛ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

انسان‌های شیطان صفت شرور

بقره ۱۴ - «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ»

انعام ۷۱ - «قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ إِنَّتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرًا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»

انعام ۱۱۲ - «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ»

انعام ۱۲۱ - «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكُمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ»

اعراف ۲۷ - «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»

اعراف ۳۰ و ۳۱ - «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ قَرِيبًا هَدَىٰ وَقَرِيبًا حَقٌّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ»

اسرى ۲۶ و ۲۷ - «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبْدِرْ تَبْدِيرًا إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»

مریم ۶۸ - «فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا»

مریم ۸۳ - «أَلَمْ تَرَ أَنَا أُرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوْرُهُمْ أَرْأُ»

انبیاء ۸۲ - «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يُغْوِسُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ»

مؤمنون ۹۶ تا ۹۸ - «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّبِيَّةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يُحْضِرُونِ»

بقره ۱۰۲ - «وَاتَّبِعُوا مَا نَتَلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مَلِكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ...»

شعراء ۲۱۰ تا ۲۱۲ - «مَا نَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ وَمَا يَبْنِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ»

ص ۳۶ تا ۳۸ - «فَسَحَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ وَالشَّيَاطِينُ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ وَآخِرِينَ مُقْرَبِينَ فِي الْأَصْفَادِ»

شعراء ۲۲۱ تا ۲۲۶ - «هَلْ أَنْبَأَكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيَاطِينُ نَزَّلَ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يُلْفُونَ السَّمْعَ وَأَكْتَرُ هُمْ كَاذِبُونَ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ»

صافات ۶۲ - «أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ»

سنگ‌های سرگردان

صافات ۶ تا ۱۰ - «إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُفْقِدُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ»

ملک ۳ تا ۵ - «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاقُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ وَلَقَدْ زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ»

اشاراتی به زبان مجازی به نیروهای ناشناخته (جن) برای ما در حفاظت لایه‌های جو از حیات زمینی:

حجر ۱۶ تا ۱۸ - «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيْنَّاهَا لِلنَّاطِرِينَ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ»

جن ۸ و ۹ - «وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَمِتًا حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعُ الْآنَ يَحِدُّ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا»

عامل بیماری، میکروب

ص ۴۱ و ۴۲ - «وَأَذْكَرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ رُكِّضْ بَرَجْلِكَ هَذَا مَغْتَاسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ»

هشدار امام علی (ع) به خطرات لشکر شیطان

در خطبه قاصعه نهج البلاغه^(۱) دید آن بزرگوار را درباره سپاه ابلیس در وجود بندگان و در سواره نظام و پیاده نظام دیکتاتورهای زمانه روشن می‌کند:

«ای بندگان خدا از دشمن خدا پر هیز کنید، مبدا شما را به بیماری خود (تکبر) مبتلا سازد، و با ندای خود شما را به حرکت در آورد و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد. به جانم سوگند، شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چله کمان گذارده، و تا حدّ توان کشیده، و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است، و خطاب به خدا گفته: «پروردگارا به سبب آن که مرا دور کردی، دنیا را در چشمهایشان جلوه می‌دهم، و همه را

گمراه خواهم کرد» اما تیری در تاریکی و سنگی بدون نشانه رها ساخته است، گرچه فرزندان خودپسندی، و برادران تعصب و خود خواهی، و سواران مرکب جهالت و خود پرستی، او را تصدیق کردند. افراد سرکش شما تسلیم شیطان شدند، و طمع ورزی او در شما کارگر افتاد، و این حقیقت بر همه آشکار گردید، و حکومت شیطان بر شما استوار شد، و با لشکر خویش به شما یورش برد، و شما را به ذلت سقوط کشانید، و شما را به مرز کشتار و خونریزی کشاند، و شما را با فروکردن نیزه در چشم‌ها، بریدن گلوها، کوبیدن مغزها پایمال کرد، تا شما را به سوی آتشی بکشاند که از پیش مهیا گردید. پس شیطان بزرگ ترین مانع برای دینداری، و زیانبارترین و آتش افروزترین فرد برای دنیای شماست. شیطان، از کسانی که دشمن سر سخت شما هستند و برای در هم شکستنشان کمر بسته‌اید خطرناک تر است. مردم آتش خشم خود را بر ضد شیطان به کار گیرید، و ارتباط خود را با او قطع کنید.

به خدا سوگند، شیطان بر اصل و ریشه شما فخر فروخت، و بر حسب و نسب شما طعنه زد و عیب گرفت، و با سپاهیان سواره خود به شما هجوم آورد، و با لشکر پیاده راه شما را بست، که هر کجا شما را ببیند شکار می‌کنند، و دست و پای شما را قطع می‌کنند، نه می‌توانید با حیله و نقشه آنها را بپراکنید، و نه با سوگند قادرید از سر راهتان دور کنید. زیرا کمین‌گاه شیطان ذلت آور، تنگ و تاریک، مرگ آور، و جولانگاه بلا و سختی هاست.

پس شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلی را در قلب خود خاموش سازید، که تکبر و خودپرستی در دل مسلمان از آفت‌های شیطان، غرورها، و کشش‌ها و وسوسه‌های اوست. تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهد، و تکبر و خودپسندی را زیر پا بگذارد، و حلقه‌های زنجیر خود بزرگ‌بینی را از گردن باز کند، و تواضع و فروتنی را سنگر میان خود و شیطان و لشکریانش قرار دهد، زیرا شیطان از هر گروهی لشکریان و یارانی سواره و پیاده دارد.

و شما همانند قابیل نباشید که بر برادرش تکبر کرد، خدا او را برتری نداد، خویشتن را بزرگ می‌پنداشت، و حسادت او را به دشمنی وا داشت، تعصب آتش کینه در دلش شعله ور کرد، و شیطان باد کبر و غرور در دماغش دمید، و سرانجام پشیمان شد، و خداوند گناه قاتلان را تا روز قیامت بر گردن او نهاد».

پرهیز از تکبر و اخلاق جاهلی

«آگاه باشید که شما در سرکشی و ستم زیاده روی کردید، و در زمین در دشمنی با خداوند فساد به راه انداختید، و آشکارا با بندگان خدا به نبرد پرداختید.

خدا را خدا را از تکبر و خودپسندی، و از تفاخر جاهلی بر حذر باشید، که جایگاه بغض و کینه و رشد و وسوسه‌های شیطانی است، که ملت‌های گذشته، و امت‌های پیشین را فریب داده است، تا آنجا که در تاریکی‌های جهالت فرو رفتند، و در پرتگاه هلاکت سقوط کردند، و به آسانی به همان جایی که شیطان می‌خواست کشانده شدند. کبر و خودپسندی چیزی است که قلب‌های متکبران را همانند کرده تا قرن‌ها به تضاد و خونریزی گذراندند، و سینه‌ها از کینه‌ها تنگی گرفت».

پرهیز از سران متکبر و خود پسند

«آگاه باشید زنه‌ار زنه‌ار از پیروی و فرمانبرداری سران و بزرگانان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند، و خود را بالاتر از آنچه که هستند می‌پندارند، و کارهای نادرست را به خدا نسبت می‌دهند، و نعمت‌های گسترده خدا را انکار می‌کنند، تا با خواسته‌های پروردگاری مبارزه کنند، و نعمت‌های او را نادیده انگارند. آنان شالوده تعصب جاهلی، و ستون‌های فتنه، و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند.

پس، از خدا پروا کنید، و با نعمت‌های خدا دادی درگیر نشوید، و به فضل و بخشش او حسادت نوزید، و از فرومایگان اطاعت نکنید، آنان که تیرگی‌شان را با صفای خود نوشیدید، و بیماری‌شان را با سلامت خود درهم آمیخته‌اید، و باطل آنان را با حق خویش مخلوط کرده‌اید، در حالی که آنان ریشه همه فسق‌ها و انحرافات و همراه انواع گناهانند.

شیطان آنها را برای گمراه کردن مردم، مرکب‌های رام قرار داد، و از آنان لشکری برای هجوم به مردم ساخت، و برای دزدیدن عقل‌های شما آنان را سخنگوی خود برگزید، که شما را هدف تیرهای خویش، و پایمال قدم‌های خود، و دستاویز و وسوسه‌های خود گردانید».

۱ - «فأخذوا عباد الله عدو الله أن يُعديكم بدائه و أن يستقركم بدائه و أن يُجلب عليكم بحيله و رجليه فلعمري لقد فوق لكم سهم الوعيد و أغرق إليكم بالنزع الشديد و رماكم من مكان قريب فقال رب بما أغويتني لأزيتن لهم في الأرض و لأغوينهم أجمعين فذفا بغيب بعيد و رجما بظن غير مصيب صدقه به أبناء الحمية و إخوان العصبية و فرسان الكبر و الجاهلية حتى إذا انفادت له الجامعة منكم و استحكمت الطماعية منه فيكم فتجتم الحال من السر الحقي إلى الأمر الجلي استفحل سلطانه عليكم و تلف بجنوده نحوكم فأفحموكم و لجات النل و أحلوكم و رطاب القتل و أوطنوكم إخوان الجراحة طعنا في عيوبكم و حزا في حلوكم و ذفا لمتاخركم و قسدا لمتاخركم و سوقا بخرانم القهر إلى النار المعدة لكم فأصبح أعظم في دينكم حرجا و أوزى في دنياكم فحما من الذين أصبحتم لهم مناصبين و عليهم منالين فأجعلوا عليه حذكم و له حذكم فلعمري الله لقد فخر على أصلكم و وقع في حسبكم و دفع في نسبكم و أجنب بحيله عليكم و قصد برجليه سبيلكم يقتصونكم بكل مكان و يضربون منكم كل بنان لا تمتعون بحيلة و لا تدفعون بعزيمة في حومة دل و حلقه ضيق و عرصه موت و جولة بلاء فاطفوا ما كمن في قلوبكم من نيران العصبية و أحقاد الجاهلية فإلما تلك الحمية تكون في المسلم من خطرأت الشيطان و نحواته و نزغاته و نقاتيه و اعتمدوا وضع النذل على رؤسكم و إلقاء العرز تحت أقدامكم و خلع التكبّر من أعناقكم و اتخذوا التواضع مسلحة بينكم و بين عدوكم إبليس و جنوده فإن له من كل أمة جنودا و أعوانا و رجلا و فرسانا و لا تكونوا كالمتكبر على ابن أمه من غير ما فضل جعله الله فيه سوى ما ألحقت العظمة بنفسه من عداوة الحسد و قدحت الحمية في قلبه من نار الغضب و نفخ الشيطان في أنفه من ريح الكبر الذي أعقبه الله به الندامة و الزمة أتام القاتلين إلى يوم القيامة»